

مقدمه ای بر تاریخ پزشکی اسلام و ایران

دکتر علی اکبر ولایتی^۱

چکیده

گندی شاپور نقشی مهم در تاریخ طب ایران داشته است. تا پیش از ظهور اسلام، اعراب اطلاعات بسیاری از علوم تجربی و طب در اختیار نداشته و بیشتر معلومات آنان جز شرح هایی از تألیفات ارسطو نبود. در دوران اولیه ظهور اسلام، مسلمین در میان علوم طبیعی به علم طب بیش از دیگر علوم اهمیت می دادند و به همین مناسبت هنگامی که مسلمین بر بخشهای غربی آسیا و شمال آفریقا تسلط یافتند، مراکز علمی ایران و روم را به همان شکل دست نخورده نگاه داشتند و متعاقبا گندی شاپور به مرکز علمی حکومت اسلامی تبدیل گشت. در دوران حکومت اسلامی کتابهای بسیاری از این مرکز منتشر گردید که حاصل تفکرات اندیشمندان مسلمان ایرانی بود. این کتب چنان دارای اهمیت گردید که بعدها بارها در اروپا به چاپ رسید. انتشار این کتب در اروپا بر علم پزشکی و تمدن مغرب زمین تاثیر شگرفی گذاشت.

واژگان کلیدی: گندی شاپور، تاریخ پزشکی، تاریخ اسلام.

۱- مدیر گروه تاریخ پزشکی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی و رییس کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران شورای عالی انقلاب فرهنگی

۱- علم پزشکی در گندی شاپور

گندی شاپور نقشی مهم در تاریخ طب ایران داشته است. گفته می شود که تاسیس اولیه این شهر به دوران قبل از تاریخ و زمان ورود قوم آریایی برمی گردد و بعدها بوسیله «شاپور» تجدید بنا شده است. هدف اولیه وی از این تجدید بنا ایجاد محلی برای استقرار اسیران رومی و یونانی و استفاده از تخصص های آنان بود.^۱

کریستین سن، مورخ مشهور تاریخ ساسانیان در این باب چنین می گوید: «کتب مذهبی اوستایی در اثر بقای کیش زرتشتی در دوران تاریک غلبه اسکندر و سالهای بعد از آن، همچنان محفوظ مانده بود، ولی آثار اوستایی در زمینه های غیر دینی مانند طب، نجوم، جغرافیا و فنون به طور عمده به هندوستان، یونان و کشورهای دیگر پراکنده شده بود. اکنون جمع آوری مجدد این آثار وجهه همت شاپور قرار گرفت و دستورات لازم درباره آن صادر گردید. ظاهراً در این دوره در ریشه شهر، ناحیه ای در شوش هیاتی از نویسندگان تاسیس شد که کارشان ثبت مطالب مربوط به نجوم و علوم سَرّی به زبان مخصوص و شاید با علامات رمزی به نام گشتک بود...»^۲

از سال ۴۵۷ م دولت روم نسطوری ها را از قلمرو خود راند و در سال ۴۸۹ م رسماً مرکز علمی این فرقه را بست و سپس رؤسای روحانی نسطوری آن مرکز را در نصیبین قرار دادند. پس از آن نسطوریان به سوی مشرق و به ویژه قلمرو ایران انتقال یافتند. مرکز روحانی نسطوریان بعدها در ۴۹۸ م به پایتخت ایران، یعنی سلوکیه و تیسفون منتقل شد. آنها مرکز علمی خود را در گندی شاپور

۱- سیریل الگود، تاریخ پزشکی ایران، ص ۶۶.

۲- کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ص ۲۹۳.

برقرار نمودند و در آنجا یک مدرسه طبی دایر شد که در آن علم طب یونانی - که حامل آن نسطوریان روم بودند - و طب هندی - که از سواحل سند به آنجا راه یافت - آمیخته شد. گندی شاپور یک بیمارستان و یک دانشکده‌ی پزشکی مهم داشت و تأثیر گندی شاپور بر پزشکی اولیه دوره عباسیان، نظر به نقشی برجسته که به خانواده بختیشوع داده شده بود، آشکار است.

سید حسین نصر استاد علوم اسلامی در دانشگاه جرج واشنگتن می نویسد: «پیوستگی بزرگ میان طب اسلامی و یونانی را باید در پزشکی اواخر عصر ساسانی خصوصاً در مدرسه گندی شاپور جستجو کرد نه اسکندریه. به هنگام ظهور اسلام، گندی شاپور بهترین دوران خود را می گذرانده است. مدرسه مزبور که مهمترین مرکز پزشکی عصر به شمار می آمد محیطی بود که مرکز تجمع دانشمندانی با ملیتهای گوناگون بود و سنتهای پزشکی یونانی، هندی و ایرانی را با هم درآمیخته زمینه را برای پزشکی اسلامی آماده می کرد.»^۱

۲- تأثیر علوم طبیعی و طب اسلامی در تمدن غرب

تا پیش از ظهور اسلام، اعراب اطلاعات بسیاری از علوم تجربی و طب در اختیار نداشته و بیشتر معلومات آنان جز شرح هایی از تألیفات ارسطو نبود. در دوران اولیه ظهور اسلام، مسلمین در میان علوم طبیعی به علم طب بیش از دیگر علوم اهمیت می دادند و به همین مناسبت هنگامی که مسلمین بر بخشهای غربی آسیا و شمال افریقا تسلط یافتند، مراکز علمی ایران و روم را به همان شکل دست نخورده نگاه داشتند. گندی شاپور به مرکز علمی حکومت اسلامی تبدیل گشت و در زمان خلفای بنی امیه دانشمندان به ویژه پزشکان، از این شهر به دمشق رفتند.

۱- سید حسین نصر، تاریخ کمبریج.

در دوره خلفای عباسی که شکوه و عظمت اسلامی به اوج خود رسید، جابر بن حیان، پسر یک داروساز عرب، بر علوم قرون وسطای اروپا سایه بلندی افکند. هرچند از تألیفات طبی او چیزی باقی نمانده، لیکن ماکس مایرهوف در مقاله خود در کتاب میراث اسلام، مدعی شده که رساله ای از او به دست آورده که درباره مواد سمی است. این دانشمند با وزرا و خاندان ایرانی بر مکی مربوط بود و معروف است که دویست سال پس از مرگ وی در کوه، آزمایشگاه او را در خرابه های شهر پیدا کردند.^۱

در کتابهای کیمیای جابر، اطلاعاتی موجود است که هنوز برای دانشمندان طب به منزله مطالبی مهم و بغرنج باقی مانده است. امروزه شماری از پژوهشگران بر این باورند که کتابهایی که از جابر باقی مانده، در سده دهم میلادی نوشته شده و در این کتابها نامها بیشتر به فارسی است و به زبانهای هندی و سریانی کمتر نامی وجود دارد. کتابهای کیمیای جابر مجموعه ای از اطلاعات ایرانیان و یونانیان در مورد داروهاست. وی در همه جای دنیا به نام پدر کیمیای عرب معروف است. در اسکندریه که مرکز علوم یونان و دنیای اسلامی بوده، افراد افلاطون نما پیدا شدند که موهومات و اعمال فریب دهنده ای را در علم طب وارد کردند که بی اعتباری آنها ثابت گردید، اما علم کیمیا، که با آزمایشهای علمی و عملی توسط جابر پیش می رفت، صورت دیگری داشت. هنوز در حدود صد جلد کتاب شیمی از جابر در دست است که نفوذ آنها در تاریخ شیمی اروپا به روشنی معلوم است.

۱- توماس واکر آرنولد و آلفرد گیوم ص ۱۰۴ و ۱۱۴؛ علی اصغر حلبی، تاریخ و تمدن اسلام ص ۶-۲۲۱.

یکی دیگر از پزشکان معروف اسلامی که در این دوره در ایران ظهور کرد، **علی بن عباس مجوسی** است که پس از رازی برجسته ترین پزشکی است و تألیفات او اهمیت بسیاری در طب داشته است.^۱

از معروف ترین کتابهای او کتاب الملکی، جامع طب نظری و عملی است و استدلال وی در این کتاب مبتنی بر تجربیات و دیدگاههای خود اوست، نه کتابهای پزشکان. وی در این کتاب خطاهای بقراط، جالینوس، اوریباسیوس، بولس اجانیطی و دیگران را در طب ثابت و گوشزد نموده و با وجود پیروی از مکتب طب یونان در بسیاری از موارد برخلاف طب آنان رفتار کرده است. استفان انطاکی این کتاب را در سال ۱۱۲۷م به زبان لاتینی ترجمه کرد و در سال ۱۵۲۳م در شهر لیون به چاپ رسید.^۲

در زمان مأمون یکی از مترجمان به نام **حنین بن اسحاق**، کتب و رسائل جالینوس را ترجمه کرد و از فلسفه و طب جالینوس به قولی صد کتاب سریانی و سی و نه رساله عربی برجای نهاد. وی شمار فراوانی از آثار دیگر پزشکان یونانی را نیز ترجمه کرد. او همچنین کتاب دیوسکوریدس را ترجمه کرد که بعداً در نیمه دوم سده دهم میلادی در اسپانیا به عربی ترجمه شد. برخی از نسخه های خطی ترجمه های او، به ویژه آثار پزشکان یونانی، امروزه در کتابخانه های استانبول باقی است. تألیفات او نیز مانند ترجمه هایش متعدد بوده و در میان مسلمین معروف ترین کتابهای او دو کتاب **(سوالات طبی و العشر مقالات فی**

۱- شیخ عبدالله نعمه، فلاسفه شیعه، بیروت ۱۹۳۰، ص ۹۲؛ سید حسین نصر، علم و تمدن اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۹، ص ۲۱۴.

۲- گوستاو لوبون، تاریخ و تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید هاشم حسینی، تهران: انتشارات کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۴۷، ص ۶۱۰؛ سید حسین نصر، پیشین، ص ۲۱۷.

العین) است که کهن ترین کتاب درباره بیماریهای چشم و راه درمان آن به شمار می آید و بیشتر پزشکان اروپایی از آثار او دانش می آموختند.^۱

از دیگر کتابهای ترجمه شده همچنین خلاصه عقاید جالینوس است که در سال ۸۵۶م برای دانشجویان دانشگاه اسکندریه ترتیب داده شده بود. گذشته از کتابهای ترجمه شده، برخی از دانشمندان مسلمان رساله های طبی دیگری را درباره امراض گوناگون در انسان نوشته اند که بیشتر آنها نابود شده و یکی از آنها، که توسط یکی از ستاره شناسان و پزشکان معروف، به نام ثابت، در قاهره منتشر شده، درباره امراض عمومی و بیماریهای سروسینه و معده و روده یا به عبارت امروز، امراض داخلی بوده است. همچنین درباره بیماریهای آبله و سرخجه که از بیماریهای واگیردار به شمار می آیند، بحث نموده است. سپس در مورد بیماریهای استخوان، مواد غذایی و ترکیبات آن سخن گفته و موضوع تولید نسل و چگونگی امراض و کیفیت درمان این بیماریها را به زبان ساده بیان کرده است.^۲

از نخستین کسانی که دست به نگارش دانشنامه پزشکی زد، **علی بن سهل ربّـن طبری** است و کتاب معروف او در طب **فردوس الحکمه** نام دارد که از اطلاعات پزشکان بزرگ پیش از خود، مانند بقراط و جالینوس و اوریباسیوس و کتب مشهور طب هندی استفاده کرد، و بعداً **علی بن عباس مجوسی** در **کامل الصناعه** و **ابوعلی سینا** در کتاب **قانون** از روش وی استفاده نموده اند. وی

۱- توماس واکر آرنولد و آلفرد گیوم، پیشین، ص ۱۰۶، ذلیسی اولیری، انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، ترجمه احمد آرام، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲، ص ۲-۲۴۱.

۲- توماس واکر آرنولد و آلفرد گیوم، پیشین، ص ۱۰۷

کتابهای دیگری در طب و داروشناسی داشته است که از آن میان کتاب **الدين و الدوله** و کتاب **حفظ الصحه** در دست است.^۱

پس از طبری، معروف ترین طبیب اسلامی - ایرانی، **محمدبن زکریای رازی** است. به قولی او بیش از ۲۲۰ کتاب و رساله در علوم و فنون گوناگون داشته است که نیمی از آنها در علم طب است که از جمله آنها کتابهای: **الجامع، المدخل، المرشد، الطب الملوکی، المدخل الی الطب، الکافی، الفاخر و المنصوری** است که از کتب مهم طب به شمار می رود و در قرون وسطا چندین بار به زبان لاتینی ترجمه شده است. اما یکی از مهم ترین کتابهای وی **الجدری و الحصبه** در آبله و سرخک است.

از آنجا که محمد زکریای رازی اولین طبیبی است که دو بیماری آبله و سرخک را به خوبی شناخته و از عهده وصف آنها بسیار نیکو برآمده، بدین لحاظ، این کتاب مقام بزرگی در عالم طب پیدا کرده است. این کتاب را سابقاً به نام کتاب طاعونی می شناختند؛ زیرا مترجم آن (ژ. والا) آن را درباره طاعون نامیده است. مقالات و ابواب کتاب آبله و سرخک دوره کمون و سرایت و دوره بیماری و بحران و خطرات و پیامدها و درمان و پرهیز بیمار از غذاها و همه مسائل مربوط به این دو بیماری را مانند کتب طبی امروزی - که یکایک مباحث بیماری را جداگانه با شرح کامل بیان می کند - ذکر کرده است.

بسیاری از مورخان و دانشمندان غربی بر این باورند که کتاب آبله و سرخک رازی، بزرگترین نوشته وی است. برای نمونه ترجمه عبارتی را که کاستیلیونی، استاد تاریخ طب پادوا (ایتالیا) در کتاب خود، **تاریخ طب** درباره این کتاب چنین

۱- ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، تهران: فردوسی، ۱۳۷۱، ص ۱۱۸، ابن ندیم، الفهرست، ص ۴۲۶؛ علی اصغر حلبی، پیشین، ص ۲-۱۹۱.

نگاشته: «از نظر تاریخ طب مهم ترین اثر رازی کتاب وی درباره آبله و سرخک است. . . این کتاب تحقیقاً براساس تجارب بسیار دانشمندانه و ملاحظات شخصی طبیعی عملی است که بیمار را عمیقاً معاینه کرده است. این کتاب نخستین اثر پژوهشی و دقیقی است که ما درباره بیماریهای عفونی می شناسیم».

این کتاب را نخستین بار (ژ. والا) در سال ۱۴۹۸م در شهر ونیز به لاتین و سپس در سال ۱۵۴۸م (و. جک گوپی) به یونانی و در سال ۱۵۵۸م کوکن لاتینی آن را به فرانسه در شهر پواتیه (فرانسه) و آنگاه در سال ۱۷۶۶م مید و جان چنینگ به انگلیسی در انگلیس و در سال ۱۷۶۸م (ژ. ژ. پوله) به فرانسه و در سال ۱۸۴۸م گرین هیل آن را به لاتین ترجمه کردند. در سال ۱۸۶۶م ترجمه لاتینی آن در لندن تجدید چاپ شد و در سال ۱۸۷۲م (ون دیک) اصل رساله عربی را در بیروت چاپ کرد. همچنین در سال ۱۹۱۱م (ک. آپیتس) آن را به آلمانی ترجمه و چاپ کرد.

از آن گذشته این کتاب نزدیک به چهل بار در شهرهای بال سویس و گوتینگن آلمان و لندن و پاریس چاپ شده است. بنابراین، به نظر می رسد که تعداد ترجمه ها و چاپهای کتاب الجدری و الحصه بیش از بسیاری از دیگر کتب طبی در تمدن اسلامی است و این مطلب نشان دهنده اهمیت کتاب رازی است.

دیگر کتاب مهم رازی به نام (الْحَصَى الْمُتَوَلَدَةُ فِي الْكُلَى وَ الْمَثَانَةُ)، درباره سنگهای کلیه و مثانه است که در سال ۱۸۹۶ در پاریس چاپ شده است و با بهترین کتب طبی دنیا برابری می کند.^۱

۱- عمر فروخ، تاریخ العلوم عندالعرب، بیروت، ۱۹۷۰، ص ۵۳۴؛ ابوبکر محمدزکریای رازی، کتاب الجدری والحصه، ترجمه محمود نجم آبادی،

الحاوی الکبیر یا الحاوی فی الطب دیگر کتاب برجسته اوست که کتاب جامعی از طب یونان و هند و ایران است که تجارب و دیدگاههای خود رانیز بر آن افزوده است و شامل بیست جلد بوده، که امروزه از ده جلد موجود، پنج جلد آن به بیماریهای چشم اختصاص دارد. این کتاب را در سال ۱۲۷۹م در زمان شارل یکم، پزشکی یهودی به نام فرج بن سالم به لاتین ترجمه کرد و در سال ۱۵۴۲م پنج بار چاپ و منتشر شد و در اروپا از مهم ترین کتب درسی مرجع دانش پزشکی به شمار می آمد و در کتابخانه دانشکده پزشکی پاریس موجود بود.^۱

بیشتر کتابهای رازی به لاتینی ترجمه شده و بارها به چاپ رسیده است. برای مثال در ونیز در سال ۱۵۰۹ و در پاریس در سالهای ۱۵۲۸ و ۱۷۴۸ م به چاپ رسیده و در دانشگاه لووین در بلژیک کتابهای او و ابن سینا در سده هفدهم میلادی تدریس می شده است. این در حالی است که کتابهای طب یونانیان جز در موارد نادر چندان مورد توجه نبوده و تنها از دستوره‌های کلی بقراط و چکیده ای از جالینوس استفاده شده است.^۲

رازی در علم تشریح هم استاد بوده و در رساله هایی که در سال ۱۹۰۳م در شهر لیدن از سه پزشک بزرگ چاپ و منتشر شد و نام کامل آن ثلاث رسائل فی علم التشریح للرازی و علی بن العباس المجوسی و ابن سینا است، این امر آشکار می گردد. همچنین رازی در کتاب الحاوی بیماریهای گوناگونی، مانند سکت، دردهای عصبی، مالیخولیا، فلج و خوراکیها و غذاهای ضد آنها را معرفی کرده و از صرع و تشنج و کزاز و کابوس نیز سخن رانده است و سپس به بیماریهای چشم، گوش، حلق و بینی و دندان پرداخته و ضمن اشاره به عوارض هریک از این

۱- تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۴، مقدمه محمود نجم آبادی، ص ۵ تا ۷.
 ۲- جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی اکبر جواهر کلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۳، ج ۳، ص ۱۵۹؛ علی اصغر حلبی، پیشین، ص ۹۱-۱۸۹.

بیماریها، راه علاج هر کدام را شرح داده است و عقیده خود را نیز برای درمان بیماریها گفته است.^{۱۳} وی درباره آبله می گوید: « آبله با تب طولانی، درد پشت، خارش بینی و لرز، آغاز می شود و نشانه های اصلی آن همان تب شدید همراه با درد و قرمزی شدید در چشم و گونه ها و احساس نوعی فشار در بدن است. تنگی تنفس، سرفه، خشکی دهان و غلظت بزاق، گرفتگی صدا، احساس فشار و درد در سر از نشانه های دیگر آن است.^۱

اودر رساله الجُدري و الحصبه به وصف روش بالینی و کاربرد آن اشاره نموده و در حقیقت نخستین پزشکی است که به واگیر بودن این دو بیماری پی برده است. همچنین رازی نخستین پزشکی است که علل روانی در درمان بیماران را تشخیص داده و معتقد بوده که طبیعت جسم، تابع امور نفسانی فرد است و در این رابطه نقل قولی از گفته های او بدین مضمون وجود دارد: «به بیمار دردمند بگو که به زودی شفا خواهی یافت، زیرا در این صورت قوای طبیعی او را برای بهبودی اش به کمک طلبیده ای، اگرچه طیب خود به سلامتی بیمار مطمئن نباشد؛ زیرا مزاج جسم تابع چگونگی حالات روانی است»، و در این باره کتابی به نام الطب الروحانی دارد.^۲

رازی در شرح بیماریها ابتدا عقاید یونانی ها، سریانی ها، ایرانی ها، عرب ها و هندی ها را توضیح داده و سپس عقاید خود را درباره آنها بیان کرده است. گذشته از کتابهای طبی، کتابهایی در فلسفه، ریاضیات، علوم طبیعی، ستاره شناسی، از خود به جای گذاشته و آخرین کتاب او درباره فضا، ماده، زمان، جنبش، معرفت الجَو، مبحث نور و کیمیا و رشد و تغذیه است که در سالهای

۱- گوستاو لوبون، پیشین، ص ۱۰-۶۰۹

۲- علی اصغر حلبی، پیشین، ص ۱۹۰

اخیر اهمیت کتاب کیمیای او تازه برای پژوهشگران روشن شده است. کتاب مهم صنعت کیمیای او که در آن مواد گوناگون را طبقه بندی کرده و خواص شیمیایی هر کدام را شرح داده است و آنها را به سه دسته نبات، حیوان و مواد معدنی تقسیم کرده که مطابق با تقسیم بندی علوم جدید است.^۱

رازی در کتاب الاسرار به شناخت داروها و ابزار آنها اشاره کرده است که به باور دانشمندان با اصول امروزی علم شیمی مطابقت دارد. اما در کتاب سرالاسرار بیشتر مطالبی پیرامون کیمیا یا اکسیر و ساختن زر و سیم از این راه را مورد بحث قرار داده است. همچنین وی در مقدمه کتاب الاسرار گفته است:

«در این کتاب برخی از رموزی را که فیلسوفان گذشته، مانند هرمس، آگاثادیمون، ارسطاطالیس ... و خالدبن یزیدو استاد ما جابر بن حیان پوشیده نگاه داشته بودند، شرح کردیم، بلکه در آن ابوابی گنجانیدیم که همانند آنها دیده نشده است ... و این کتاب من مشتمل بر معانی سه گانه زیر است: شناخت داروها (معرفة العقاقیر)، شناخت ابزارها (معرفة الالات)، شناخت روش ها و تجربه ها (معرفة التدابیر والتجارب)».^۲

او سپس به تقسیم بندی داروها و شرح آلات و ابزار آزمایشگاهی پرداخته و می گوید به زودی از نامهایی بحث خواهد کرد که پیشینیان تاکنون از آنها یاد نکرده اند و یا به رمز و اشاره از آنها سخن به میان آورده اند و یادآور شده است که توانسته شماری از فلزات را به رنگ طلا درآورد و آنها را به طلا تبدیل کند. او همچنین از اصول و قواعد تقطیر و تصعید و احتراق و غیره یاد کرده و

۱- توماس واکر آرنولد و آلفرد گیوم، پیشین، ص ۱۱۲-۱۱۱

۲- همان، ص ۱۱۳؛ علی اصغر حلبی، پیشین، ص ۱۹۱

شماری از اسیدها را به دست آورده است و از این روی می توان او را نخستین پیشوای علم کیمیا در اسلام دانست.^۱

کتاب من لایحضره الطیب که به طب الفقراء مشهور بوده است، دارای دستورالعمل های آسانی بوده که فرد را از مراجعه به طیب بی نیاز می کرده است. همچنین کتاب دیگر او به نام براءالساعه شامل معالجات سریع امراض بوده است. الفاخر فی الطب، دفع مضار الاغذیه، المدخل الصغیر و الفصول فی الطب از دیگر کتابهای رازی به شمار می آیند.^۲

بزرگترین طیب پس از رازی، **علی بن عباس مجوسی اهوازی** است که کتاب مشهور او کامل الصناعه فی الطب، معروف به الطب الملکی، است که بیست مقاله دارد و پیش از کتاب قانون ابن سینا، کامل ترین کتاب در طب شمرده می شد و دو نوبت به لاتین ترجمه شده و چندبار به چاپ رسیده است.^۳

وسرانجام باید از **ابوسهل عیسی بن یحیی مسیحی جرجانی**، طیب بزرگ معاصر ابن سینا یاد کرد که به قولی یکی از استادان او بوده و کتاب معروف المائیه فی الصناعه الطیبیه در ابواب طب متعلق به اوست.^۴ از معاصران رازی، پزشکی به نام **اسحاق** در دربار خلفای فاطمی مصر بوده که آثار او را در سال ۱۰۸۰م شخصی به نام کنستانتین افریقایی به زبان لاتین ترجمه کرده و در قرون وسطا اهمیت فراوانی در علم طب داشته و تدریس آن تا سده هفدهم متداول بوده است. کتابهای وی درباره تب، مواد و ادرار تا چندین قرن از مهم ترین کتب طبی

۱- توماس واکر آرنولد و آلفرد گیوم، پیشین، ص ۳-۱۱۲.

۲- علی اصغر حلبی، پیشین، ص ۷-۲۲۶.

۳- همان، ص ۲۲۸

۴- ذبیح الله صفا، پیشین، ص ۳۴۵

به شمار می رفته و از جمله یکی از کتابهای او به نام راهنمای پزشکان، حاوی نکاتی درباره رابطه اخلاقی پزشک و بیمار است.

پس از رازی و علی بن عباس، دیری نپایید که ابوعلی سینا در جهان دانش درخشید. وی در مغرب به «اوسینا» معروف است. با وجودی که او را در مغرب به نام یک فیلسوف و فیزیکدان می شناسند، اما تأثیر او بر پزشکی اروپا حیرت انگیز است.^۱ ابن سینا بیش از ۱۸۰ کتاب و رساله در علوم و فنون گوناگون نوشته که نزدیک به پانزده کتاب وی در علم طب معروف است و مهم ترین آنها کتاب قانون است که به قول جرجی زیدان یک فرهنگ جامع طب و داروسازی به شمار می رود^۲ و ماکس مایرهوف آن را یک شاهکار پزشکی در جهان اسلام می داند.^۳ در حقیقت این دایره المعارف، از علم فیزیولوژی، امراض، حفظ الصحة، داروسازی و خواص داروهای ساده و مرکب بحث می کند.

ماکس مایرهوف در این باره می گوید: «در اواخر سده پانزدهم، این کتاب شانزده بار در اروپا چاپ و منتشر شده است که پانزده مرتبه به لاتین و یک بار به عبری بوده است و در سده شانزدهم، بیش از بیست بار چاپ و منتشر شد و از همین جا اهمیت کتاب به خوبی روشن می شود. تفسیرهایی که بر این کتاب به لاتین و عبری نوشته شده، بی شمار است. این کتاب تا نیمه دوم سده هفدهم بارها به چاپ رسیده و مدتها از کتابهای درسی به شمار می آمد. شاید هیچ کتابی در علم

۱- جوئل ل. کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ترجمه محمد شهید حنایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۴؛ توماس واکر آرنولد و آلفرد گیوم، پیشین، ص ۱۱۶
 ۲- ذبیح الله صفا، پیشین، ج ۱، ص ۳۴۶.
 ۳- توماس واکر آرنولد و آلفرد گیوم، پیشین، ص ۱۱۶ و ۱۱۳.

طب تاکنون به اندازه آن رواج نداشته چنانچه هنوز هم مورد استفاده پزشکان و دانشمندان است.^۱

گوستاولوبون درباره کتابهای ابن سینا چنین نوشته است: «کتابهای ابن سینا به بیشتر زبانها ترجمه شده و تا شش قرن کتابهای او مرجع علم طب بوده است و در تمام دانشگاههای فرانسه و ایتالیا تنها کتاب درسی همان کتابهای ابن سینا بود، و در دانشگاه شهر مون پلیه تا پنجاه سال پیش نیز تدریس می شد».^۲ ویل دورانت نیز در این باره می نویسد: «در دانشکده پزشکی دانشگاه پاریس، دو تصویر رنگی از دو پزشک مسلمان آویخته اند که یکی رازی است و دیگری ابن سینا».^۳

ابن سینا نخستین پزشک ایرانی - اسلامی است که درباره برخی از بیماری ها و راه درمان آنها دیدگاه های نوین و تخصصی مطرح و به عبارت دیگر کاستی های علم پزشکی را تکمیل نموده است. از جمله دستاوردهای وی می توان به این موارد اشاره کرد:

- کشف التهاب قشر روئین بدن و فرق آن با امراض مشابه؛

- کشف فلج ناشی از عامل داخلی مغز با فلج ناشی از سبب خارجی؛

- فرق میان داءالجنب و درد اعصاب بین دنده ها؛

- فرق میان دمل کبدی و التهاب سینه.

همچنین او نخستین کسی است که سرایت بیماریها از راه آب و خاک را کشف کرده و به سرایت سل ریوی اشاره کرده است هم اوست که به بیماری آنکیلوستوم (کرمک) پی برد و چند سده پیش از «دبینی» ایتالیایی به این کشف

۱- جرجی زیدان، پیشین ج ۳، ص ۲۷۴

۲- توماس واکر آرنولد و آلفرد گیوم، پیشین، ص ۱۱۶

۳- همان

توفیق یافت. وی بیماریهای دیگری، مانند: سنگ مثانه، امراض جلدی و تناسلی، ناراحتی های عصبی را به طور دقیق توصیف و تشریح نموده است و برخی از عوامل نفسانی و عقلانی مانند کودنی، ترس، خوشحالی و تشویق و غیره را که تأثیرات بسیاری بر جسم و روح دارد، از طریق روان درمانی بیان کرده است.^۱

در زمان خلافت عبدالرحمان سوم در اسپانیا یک نفریهودی به نام **حسدای بن شبروت** که پزشک دربار بود، کتاب های پزشکی دموکریتوس (در منابع اسلامی ذیمقراطیس) را به کمک یک کشیش ترجمه کرد و به کنستانتین هفتم، امپراتور روم شرقی هدیه کرد. سپس یکی از پزشکان مسلمان آن را تصحیح و تفسیر نمود.^۲

رساله های یک مسلمان به نام **ابوالقاسم قرطبی**، که پزشک دربار بود، اساس علم جراحی کنونی اروپا قرار گرفت. هنگامی که این رسالات را به لاتین و عبری ترجمه کردند، گودو شلیاک (۱۳۶۸-۱۳۰۰م)، جراح نامدار فرانسوی، ترجمه لاتین آن را ضمیمه کتاب خویش کرد.^۳

در سده دوازدهم میلادی شیوه جراحی مسلمین از فرنگی ها کاملاً متفاوت بود؛ به گونه ای که جراحی آنان نوعی قصابی وحشیانه خوانده شده است.^۴ در سده یازدهم میلادی/پنجم هجری، در مصر، سوریه و عراق نگارش کتاب و آزمایشهای طبی گسترش یافت و پزشکان نامداری پدید آمدند. از آن جمله،

۱- گوستاو لوبون، پیشین، ص ۶۱۱

۲- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۱، ص ۱۵۹؛

۳- زین العابدین قربانی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۹۰-۱۸۹؛ شیخ عبدالله نعمه، پیشین، ص ۴-۹۳

۴- توماس واکر آرنولد و آلفرد گیوم، پیشین، ص ۱۱۷

ابومنصور موفق بن علی هروی است با کتاب الابنیه عن الحقائق الادویه، که ذکر داروهای مفرده به ترتیب حروف فارسی است.^۱

از کتب مهم این دوره درباره داروشناسی کتاب اقراباذین نوشته شاپور بن سهل صاحب بیمارستان گندی شاپور است. این کتاب که ۲۲ باب دارد از اواخر سده سوم تا اوایل سده ششم هجری در بیمارستان ها و داروفروشی ها مورد استفاده بوده تا این که در سال ۵۶۰ق اقراباذین ابن تلمیذ جای آن را گرفت.

برخی دیگر از پزشکان آغاز دوره عباسی در گندی شاپور که در بغداد شهرت داشتند عبارتند از: **بختیشوع بن جرجیس**، **عیسی بن شهلافا**، **شاپور بن سهل**، **ماسویه** و **پسر او یوحنا و میخائیل**، برادرزاده او. اینها از پزشکان مشهور گندی شاپور بوده اند که از عهد هارون الرشید به بعد به آموزش طب و ترجمه کتب طبی در بغداد اشتغال داشته اند و ترجمه لاتین رساله ها و کتاب های آنان گاهی نزدیک به پنجاه بار چاپ شده است.^۲

از سال ۱۰۰۰م که چشم پزشکی شعبه ای از طب به شمار آمد و رو به توسعه و ترقی گذارد، **علی بن عیسی بغدادی**، نویسنده تذکره الکحالیین و **عمار موصلی**، نویسنده **المتتخب فی علاج العین**، رساله های بسیار سودمندی در چشم پزشکی نوشته اند که افزون بر ترجمه آنها به لاتین، تا نیمه اول سده هجدهم این رساله ها بر همه کتب مربوط به بیماری ها، جراحی، درمان و بهداشت چشم برتری داشته اند.^۳

۱- همان، ص ۸-۱۱۷؛ گوستاو لوبون، پیشین، ص ۲-۱۱۱

۲- عبدالحسین زرین کوب، کارنامه اسلام، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۹، ص ۴۹

۳- ذبیح الله صفا، پیشین، ص ۳۴۸ و ۶۲۵؛ توماس واکر آرنولد و آلفرد گیوم، پیشین، ص ۱۱۸

علی بن رضوان مصری و ابن بطلان بغدادی، نویسنده کتاب تقویم الصحه و ابن نفیس، نویسنده کتاب الموخر فی الطب و کاشف گردش ریوی خون در بدن از پزشکان نامدار اسلامی به شمار می روند.^۱

ابوریحان بیرونی نیز یکی از دانشمندان بزرگ ایرانی-اسلامی به شمار می آید که جامع جمیع علوم زمان خود، مانند: پزشکی، ستاره شناسی، ریاضی، فیزیک و جغرافیا بود. تألیفات وی شامل ۱۱۳ جلد کتاب است که در مسائل گوناگون از هیئت و طب و حکمت و حساب و فیزیک و تاریخ و جغرافیا و داروشناسی و غیره بحث می کند.^۲

۳- تأسیس بیمارستانها

مسلمین از سده اول هجری به تقلید از ایرانیان و بیمارستان گندی شاپور بیمارستانهایی تأسیس کردند. به قولی، اولین بیمارستان در سال ۸۸ق به دستور ولیدبن عبدالملک اموی در دمشق ساخته شد و در قاهره نخستین بیمارستان در سال ۲۵۸ق توسط ابن طولون تأسیس شد و از این دست کارها نیز توسط عضدالدوله دیلمی در بغداد و نورالدین زنگی در شام و صلاح الدین ایوبی در مصر انجام شد.^۳

شهرت دستوره‌های بهداشتی مدرسه «سالرنو» ۱۴۱ - که از مهم ترین مدارس اروپا به شمار می رفت - به مسلمین وابسته بود، زیرا در سده یازدهم میلادی که اقوام نرماندی بر سیسیل و ایتالیا مسلط شدند، همان شیوه مسلمین را در اداره

۱- احمد عیسی بیک، تاریخ البیمارستانات فی الاسلام، دمشق، ۱۹۳۹، ص ۹-۶۳؛ ذبیح الله صفا، پیشین، ص ۱۰۲ و ۱۰۹

۲- توماس واکر آرنولد و آلفرد گیوم، پیشین، ص ۱۱۸؛ زین العابدین قربانی، پیشین، ص ۱۹۱

۳- ذبیح الله صفا، پیشین، ج ۱، ص ۴۲-۳۳۷

مدرسه سالرنو، دنبال نمودند و کنستانتین افریقایی را -که از اعراب کارتاژ بود- به ریاست آن مدرسه گماشتند. او بخش عمده کتابهای طبی عربی را به لاتین ترجمه کرد. گوستاولوبون می نویسد: « ... بنا به استنباط من، اطبای عرب در قرن دهم میلادی بیش از آنچه طب امروز تلفات می دهد، تلفاتی نداشته اند.»^۱

جرجی زیدان درباره بیمارستانهای اسلامی می نویسد: « بیمارستانهای اسلامی آن روز در کمال نظم و ترتیب اداره می شد و بدون توجه به ملیت و مذهب و شغل، همه بیماران با نهایت دقت معالجه می شدند... طب و داروسازی در همان محل تدریس می شد.»^۲

بیمارستان عضدی بغداد در زمان تأسیس بیست و چهار طیب داشت که شامل کحالان، جراحان و شکسته بندان نیز می شد و در این بیمارستان دروس طب و داروسازی هم تدریس می شد. هنگامی که ابن جبیر، جهانگرد اسپانیایی، در سده دوازدهم میلادی از بغداد دیدن می کرد، بیمارستان عضدی هنوز مانند یک قصر باشکوه بود و در آن به همه بیماران غذا و داروی رایگان می دادند.^۳

افزون بر اینها، بیمارستانها مجهز به کتابخانه و وسائل تفریح و شرایط ویژه ای مانند: موسیقی ملایم و قصه گویانی برای بیماران بدخواب بودند. در حقیقت، ترتیب همین بیمارستانها بود که توسط پزشکان اروپایی تقلید شد و به پیدایش بیمارستانهای امروزی در اروپا و دیگر نقاط جهان انجامید.^۴

با افول عصر طلایی علم در جهان اسلام، در پایان سده پنجم هجری خرافه پرستی رونق گرفت و این عامل موجبات سستی ایمان گردید، به گونه ای که در

۱- جرجی زیدان، پیشین، ص ۳۷۴

۲- گوستاولوبون، پیشین، ص ۶۱۵

۳- جرجی زیدان، پیشین، ج ۲، ص ۲۸۴

۴- عبدالحسین زرین کوب، پیشین، ص ۵۸؛ جوئل ل. کرم، پیشین، ص ۳۷۶

سده دوازدهم میلادی برخی تنها به تلخیص و تفسیر کتب می پرداختند و به ابداعات جدید در نشر دانش کمتر پرداخته می شد. به همین مناسبت در این دوره پزشکان یهودی بسیاری در دربارهای بغداد و قاهره و اسپانیا پیدا شدند؛ زیرا تا اندازه ای از قیود مذهبی فارغ بودند. مهم ترین فیلسوف و پزشک یهودی در این هنگام موسی بن میمون است که در سال ۱۱۳۵م در قرطبه زاده شد، ولی بیشتر عمر خود را در دربار صلاح الدین ایوبی در مصر گذراند. او برخی از عقاید جالینوس را تنفیذ نموده و آرای وی در کتاب دلالة الحائرين در افکار فیلسوفان سده سیزدهم تأثیری ژرف داشته است. از او رساله هایی در حفظ الصحه به جای مانده است که مشهورترین کتاب الفصول فی الطب است.^۱

در سرزمین های باختری اسلام، پزشکان نامداری پیدا شدند که قرطبه مرکز فعالیت آنان بود. چنان که در سده چهارم هجری حسدای بن شبروت، دانشمند یهودی، کتاب الادویه المفردة دیوسکوریدس را به عربی ترجمه کرد که ابن جلجل آن را تصحیح و شرح نمود. عریب بن سعد الکاتب رساله معروفی در قابلگی دارد. سرانجام بزرگترین چهره پزشکی در علم جراحی در اوایل سده پنجم هجری ابوالقاسم زهراوی است که کتابی به نام التصریف لمن عجز عن التألیف را نوشت که گاردوی کرمونایی آن را به لاتین ترجمه کرد و مدت چند قرن ترجمه های لاتین و عبری این کتاب مورد استفاده غربیان بوده است.^۲

طب اسپانیا، مرهون خدمات خاندان زهراوی بوده است. از این خانواده طی دو نسل پزشکان نامداری پدیدار گشتند. معروف ترین عضو این خاندان، ابومروان عبدالملک (م ۵۵۶ق) است که کتاب التیسیر فی المداواه التدبیر از آثار اوست. و

۱- عبدالحسین زرین کوب، پیشین، ص ۹-۵۸؛ توماس واکر آرنولد و آلفرد گیوم، پیشین، ص ۱۲۳

۲- سید حسین نصر، پیشین، ص ۲۰۳

چنان که از آثار وی بر می آید، او یک طبیب بالینی بوده و پس از رازی مقام دوم را داشته است.^۱

در میان طبیبان اندلسی چند پزشک- فیلسوف نیز وجود داشتند که **ابن طفیل**، نویسنده داستان فلسفی **حی بن یقظان** و **ابن رشد** از بزرگان آنان به شمار می آیند. **ابن رشد**، **شاگرد** و **دوست ابن زهراوی**، گذشته از آن که از بزرگترین فیلسوفان ارسطویی بود، رسماً طبیب عالی قدری بود که شانزده کتاب در طب و داروهای گوناگون نوشت و ترجمه لاتین یکی از آنها شهرت فراوانی پیدا کرد و آن **دایره المعارفی طبی** به نام **کتاب الکلیات فی الطب** بود که چندین بار با کتاب **التیسیر** به چاپ رسیدند. وی شرح هایی هم بر تألیفات پزشکی **ابن سینا** نوشته است.

پزشکان و دانشمندان اسپانیایی، به علت سهمی که در بررسی گیاهان و خواص آنها کرده اند، نیز درخور توجه اند. هر چند که مهم ترین آثار دارویی در مشرق تألیف شده اند، مانند کتاب **الابنیه عن الحقائق الادویه**، نوشته **موفق الدین ابومنصور علی هروی**، ولی مردم اندلس هم در گیاه شناسی سهم عمده ای دارند. در حقیقت پس از شرح **ابن جلیجل** بر کتاب **دیوسکوریدس**، **ابوالصلت**، کتاب **الادویه المفردة** را در سده ششم هجری تألیف کرد و **ابوجعفر احمد بن محمد غافقی اندلسی** نیز کتابی به نام **الادویه المفردة** تألیف کرد که از دقیق ترین تألیفاتی است که در جهان اسلام صورت گرفته است. از سده ششم هجری،

۱- همان، ص ۳-۲۰۲

عبدالطیف بغدادی و ابن صوری و ابوالعباس نباتی به دلیل تألیفاتشان در گیاه شناسی، شایسته ذکر هستند.^۱

تألیفات غافقی را نویسنده دیگر اندلسی، ابن بیطار، یک قرن بعد تکمیل کرد. از این دانشمند که بزرگترین گیاه شناس و داروشناس جهان اسلام بوده، تألیفاتی دیگر نیز بر جای مانده که مهم ترین آنها عبارتند از: کتاب الجامع فی الادویه المفردة و کتاب المغنی فی الادویه المفردة که در آن همه داروها را که پیشینیان می دانسته اند، به صورت الفبایی به تفصیل نقل کرده و سیصد داروی جدید را هم به آنها اضافه کرده است.^۲

جرجی زیدان در فن داروسازی مسلمین چنین نوشته است: «دانشمندان اروپا که در رستاخیز علمی اخیر خود، در فن داروسازی مطالعه و تحقیق کردند، دریافتند که مسلمانها پایه گذار این علم بوده و آنها بودند که برای نخستین بار روش داروسازی را بوجود آوردند. عرب ها نخستین مردمی بودند که «قرباذین» را که اکنون در دست ماست مرتب ساختند... آنها نخستین مردمی هستند که به شیوه امروزی داروخانه باز کردند»^۳ و دلیل این مطلب وجود نام پاره ای از داروها و گیاهان به زبان عربی، هندی و فارسی در اروپاست. ژوزف ماکه می نویسد: «ادریسی ۲۹۰ جلد کتاب نوشته که پنجاه جلد آن درباره گیاه شناسی بوده است».^۴ براساس میزان کتابهایی که از دانشمندان اسلامی در اروپا ترجمه و چاپ شده است، یک آمار گیر گفته است: «بررسی آماری موارد استفاده از منابع عربی در

۱- ماکس مایر هوف در مقاله خود، در کتاب میراث اسلام (ص ۱۲۶) کتاب التیسیر را مربوط به زهراوی یا ابن زهیر دانسته است

۲- سید حسین نصر، پیشین، ص ۳-۲۰۲ و ۱۰۱-۱۰۰

۳- همان، ص ۲۰۳؛ زین الدین قربانی، پیشین، ص ۲۰۳-۱۹۹

۴- جرجی زیدان، پیشین، ج ۳، ص ۲۷۹

کتابهای اروپا در صدر اول، کاملاً ثابت می کند که نفوذ اسلام در اروپا به مراتب بیش از تأثیر یونان در اروپا بود، مثلاً در کتاب فزاری دگرادو بیش از سه هزار بار از ابن سینا استفاده و نقل قول شده است و از هیپوکرات (بقراط) تنها یکصد بار.^۱

گذشته از اینها، در این دوره پزشکان مسلمان در اسپانیا راه درمان طاعون را یافتند که این قضیه در آن روزگار که تعصبات فوق العاده ای وجود داشت، خالی از اهمیت نیست و در این میان پزشکان مسلمان، **ابن الخطیب** (۷۴-۱۳۱۳م) و **ابن الخاتمه** در سده چهاردهم میلادی معروفند.^۲

۱- ژوزف ماک کاب، عظمت مسلمین در اسپانیا، ترجمه ابوالقاسم فیضی، اصفهان: تأیید، ۱۳۲۶، ص ۱۶۹

۲- ابوالفضل عزتی، نفوذ اسلام در اروپا در قرون وسطا، تهران: انتشارات دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۵۵، ص ۱۴۹

منابع و مأخذ

- ۱- ابوالفضل عزتی، نفوذ اسلام در اسلام در اروپا در قرون وسطا، تهران: انتشارات دارالتبلیغ اسلامی، ۱۳۵۵.
- ۲- احمد عیسی بیک، تاریخ الیمارستانات فی الاسلام، دمشق، ۱۹۳۹.
- ۳- تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۴، مقدمه محمود نجم آبادی.
- ۴- جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی اکبر جواهر کلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۳۳، ج ۳، ص ۱۵۹.
- ۵- جوئل ل. کرمر، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ترجمه محمد شهید حنایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.
- ۶- ڈلیسی اولیری، انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی، ترجمه احمد آرام، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
- ۷- ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، تهران: فردوسی، ۱۳۷۱.
- ۸- زین العابدین قربانی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.
- ۹- ژوزف ماک کاب، عظمت مسلمین در اسپانیا، ترجمه ابوالقاسم فیضی، اصفهان: تأیید، ۱۳۲۶.
- ۱۰- سید حسین نصر، علم و تمدن اسلام، ترجمه احمد آرام، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۹.
- ۱۱- شیخ عبدالله نعمه، فلاسفه شیعه، بیروت ۱۹۳۰.
- ۱۲- عبدالحسین زرین کوب، کارنامه اسلام، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۹.
- ۱۳- علی اصغر حلبی، تاریخ و تمدن اسلام.

- ۱۴- عمر فروخ، تاریخ العلوم عندالعرب، بیروت، ۱۹۷۰، ص ۵۳۴؛ ابوبکر محمدزکریای رازی، کتاب الجُدری والحصبه، ترجمه محمود نجم آبادی،
- ۱۵- کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان.
- ۱۶- گوستاو لوبون، تاریخ و تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید هاشم حسینی، تهران: انتشارات کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۴۷.
- ۱۷- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۱.

An Introduction to the Medical History of Islam and Iran

Ali Akbar Velayati

Abstract

Jundi Shapur have an important role in medical history of Iran. Before appearance of Islam, Arabs haven't much information about science and medicine and almost all of their knowledge was the commentaries of Aristotle works.

In early period of appearance of Islam, Muslims was most interested in medicine among other sciences and therefore when they dominate on western part of Asia and Iran they didn't destroy this scientific center and use this center for developing their science and society. And Gondi shaper became the scientific center of Islamic government. Then many books were published as Arab works that in reality were belong to Iranian. This books that published in Jundi Shapur has a great influence on western civilization.

Key words: Jundi Shapur, medical history, Islamic history

